

د: ۱۳۸۸/۱۲/۸

پ: ۱۳۹۰/۱/۲۲

نسخه‌هایی تازه‌یافته از شاعری گمنام (نجیب جرفادقانی)

احمدرضا یلمه‌ها^۱

چکیده

با آنکه شمار آثار تصحیح شده هر روز رو به فزونی است، هنوز بخش عظیمی از آثار ادبی به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های مختلف در بوتۀ فراموشی است. دیوان نجیب جرفادقانی از جمله متونی است که برای اولین بار در بهار ۱۳۷۱ توسط احمد کرمی تصحیح شده و به چاپ رسیده است، ولیکن با دلایل فراوان، این متن نمی‌تواند دیوان مستند و منتقدانه‌ای از اشعار این شاعر باشد. بسیاری از ابیات این شاعر به گونه‌ای محرف و مغلوط و مبهم به صورت لاینحل ضبط شده و برخی از ابیات نیز در نسخه‌های تازه‌یافته ضبط است که در دیوان چاپی نیست. نگارنده با در دست داشتن چندین نسخه‌ی تازه‌یافته از دیوان این شاعر از جمله نسخه‌ی کتابخانه‌ی چسترییتی دوبلین و نیز نسخه‌ی موزه بریتانیا و مطابقه و مقایسه‌ی این نسخ با متن دیوان چاپی، در این مقاله سعی دارد به برخی از ایرادات و اشکالات این متن بپردازد.

واژه‌های کلیدی: دیوان، نجیب جرفادقانی، نسخه‌های خطی، تحریف و تصحیح.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

E-mail: ayalameha@yahoo.com

مقدمه

ملک‌الشعرا نجیب‌الدین جرفادقانی (گلپایگانی)^۱ یکی از شاعران توانای پایان قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری است. وی در قصیده‌سرایی از بهترین جانشینان شعرای بزرگ پایان قرن ششم در عراق شمرده می‌شود (صفا ۱۳۷۳: ۴۱۹/۳) که لقب ملک‌الشعرا را نیز داشته است. ایراد معانی مختلف، تخیلات باریک، مضامین تازه و دل‌انگیز، تشبیهات و ترکیبات نو و نیز روانی و سهولت کلام از ویژگی‌های شعر اوست. ذبیح‌الله صفا می‌نویسد: «سخنش در روانی و انسجام و اشتغال بر معانی مبتکر یادآور کلام سخّار انوری و متابعان اوست و وی اگرچه واقعاً تابع انوری نیست، ولی مانند همان شاعر در استفاده از مسائل علمی برای خلق مضمونهای شعری استاد است» (همانجا). تاریخ وفات این شاعر ۶۶۵ هجری است که پس از مسافرت‌های طولانی و رجعت به زادگاه و عزلتگاه خویش بعد از هفتاد سالگی اتفاق می‌افتد.

دیوان این شاعر مشتمل بر قصاید، مقطعات، یک ترکیب‌بند، غزلیات و رباعیات برای اولین بار از سوی سلسله نشریات «ما» به کوشش احمد کرمی در سال ۱۳۷۱ به حلیه طبع آراسته شد. مصحح در پایان مقدمه یک صفحه‌ای خود بر دیوان چاپی، چنین می‌نویسد: «نتیجه تحقیق ما در باره او بیش از این نیست، امید است محققین و بزرگان ادب آن طور که باید او را معرفی نمایند. ان‌شاءالله» (جرفادقانی، دیوان، «مقدمه»، ص «ب»). مصحح در معرفی نسخ خطی چنین می‌نویسد: «این دیوان بر پایه مقابله نسخه خطی کتابخانه این جانب و چند نسخه دیگر، با راهنمایی فاضلانه زنده‌یاد استاد محمود منشی کاشانی، قصیده‌سرای کم‌نظیر عصر ما - رحمه الله - فراهم آمده است» (همانجا).

نجیب جرفادقانی از سراینندگان چیره‌دست قصیده و غزل در پایان قرن ششم هجری است و دیوان این شاعر از متون ارزنده و مهم ادب فارسی است. اهمیت این دیوان هم از جهت اشعار ارزنده آن و هم از جهت احتوای آن بر لغات کهنه است و از جهت تاریخی نیز بسیار ارزشمند است.

متأسفانه با وجود نسخه‌های متقدم و متعدد که در فهرست نسخ خطی منزوی (منزوی، ۱۳۴۹) بیش از ده نسخه آن معرفی گردیده، مصحح، دیوانی سرشار

از اغلاط و تصحیفات با افتادگی‌ها و اسقاطات فراوان فراهم آورده‌اند که به دلایل زیر نمی‌تواند متنی مستند و علمی از دیوان این شاعر باشد:

الف. در این چاپ مصحح هیچ اشاره‌ای به نسخه‌ها، زمان کتابت و ویژگی نسخ نکرده است. به عبارت دیگر هویت نسخه برای خواننده مجهول و ناشناخته است.

ب. شیوه تصحیح در این چاپ مشخص نیست: اینکه مصحح چه نسخه‌ای را بر چه پایه‌ای به عنوان نسخه‌ی اساس قرار داده است.

ج. متن دیوان خالی و عاری از هر گونه ارجاع به نسخه و یا نسخ بدل است.

د. هیچ فهرستی (اعم از اعلام، اشعار، لغات، تعبیرات و...) ندارد.

ه. متن دیوان فاقد مقدمه‌ی تحقیقی و مستند، محتوی زندگی و سبک شعری، ممدوحان و معاصران شاعر و... است.

و. با توجه به عدم دسترسی مصحح به نسخه‌های متقدم، ضبطهای محرف و مبهم در دیوان فراوان به چشم می‌خورد و بسیاری از ابیات به صورت نامفهوم در متن دیوان ضبط شده است.

نگارنده این سطور، با توجه به دلایل مذکور، و نیز از آنجا که چند سالی است در زمینه تصحیح متون شاعران قرن پنجم تا هفتم هجری، مشغول تحقیق و پژوهش است، با در دست داشتن چند نسخه‌ی نفیس و ارزشمند از دیوان این شاعر و مقابله و مقایسه‌ی نسخ موصوف، با دیوان چاپی این شاعر، مشکلات بسیاری از ابیات ناقص و مبهم را برطرف ساخته است که در این مقاله برای نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود.

معرفی نسخ در دسترس نگارنده

الف. نسخه‌ی خطی متعلق به کتابخانه‌ی چستربیتی دوبلین (ایرلند) با تاریخ تحریر ۶۹۹ هجری قمری (۱۳۰۰م) این نسخه که مجموعه‌ای است از دواین شعرای قرن پنجم تا هفتم، اقدم نسخ دیوان نجیب‌الدین جرفادقانی است که به خط نسخ ریز و خوش در قطع بزرگ توسط دو کاتب نوشته شده است: ۱. ابونصر محمدبن احمدبن محمدبن برحق بن نعمان الیمنی که اوراق ۲ تا ۱۶۰ و ۲۸۶ تا ۳۰۵ و ۳۱۴ تا ۳۵۰ به خط اوست، ۲. محمد شاه‌بن علی‌بن محمودبن شادبخت اصفهانی (ساکن محله

کران) که اوراق ۱۶۱ تا ۲۸۵ و ۳۰۶ تا ۳۱۳ و ۳۵۱ تا ۴۰۱ را نوشته و از کاتب دوم نسخه‌هایی از تاریخ جهانگشای جوینی در دست است و نیز نسخه‌ای از تاریخ طبری به خط اوست (پوپ ۱۳۵۵).

نسخه موصوف در هر برگ چهار ستون ۳۱ سطری دارد که صفحات ۲۵۸ تا ۲۷۱ از آن متعلق به دیوان نجیب جرفادقانی است و به لحاظ نوشته شدن در اواخر قرن هفتم، اصالت و قدمت قابل توجه و تردیدناپذیری دارد.

ب. نسخه خطی شماره ۶۶۹ حکیم اوغلو علی پاشا، محتوی دواوین دوازده تن از شعرای ایران و یک تن از شعرای عرب که در کتابخانه لالا اسماعیل موجود است. نسخه موصوف در ۵۴۵ ورق است که عکس آن توسط استاد شادروان مجتبی مینوی برای دانشگاه تهران تهیه شده و فیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه به شماره ۱۷۰ موجود است. هفتمین شاعر در این مجموعه، با نام ملک‌الحکما نجیب‌الدین جرفادقانی است. این نسخه به خط نسخ ریز کتابت شده و نام کاتب آن معلوم نیست و کلیه دیوانهای موجود در جنگ ممهور است به مهر «وقف آستانه متبرکه صفویه ۱۰۹۷ هجری» و از روی همین تاریخ می‌توان حدس زد کتابت نسخه مزبور پیش از سال ۱۰۹۷ بوده و این نسخه از نظر صحت و امانت و کمال یکی از معتبرترین و مطمئن‌ترین نسخ موجود است.

ج. نسخه کتابخانه بریتیش میوزیم که در فهرست ریو با شماره Or. 3376 معرفی شده و نستعلیق زگی همدانی است و در ذی‌قعدة ۱۰۰۲ هجری به اتمام رسیده است و مشتمل بر دواوین نجیب جرفادقانی، رشید وطواط و ازرقی هروی است و فیلم آن به شماره ۱۲۸۳ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است.

نگارنده این سطور با در دست داشتن نسخ مزبور و نیز چند نسخه خطی دیگر (از جمله نسخه بادلیان، مکتوب به سال ۱۰۰۷ و ۱۰۰۸ هجری، نسخه سی شاعر متعلق به کتابخانه ملی ملک و نسخه مجلس) و مطابقه و مقابله جمیع نسخ با دیوان چایی شاعر مزبور، با تحریفات، تصحیفات، افتادگی‌ها و اغلاط فراوانی برخورد کرد که چنانکه ذکر گردید، فقط به برخی از آنها اشاره می‌شود.

ابیات مبهم

ص ۱۰، س ۱۲:

چو بر دلالت دولت بدین جناب افتاد به یمن همت تو همت از وسن برخاست
بیت به همین صورت مبهم در متن دیوان چاپی مضبوط است. در قدیم‌ترین نسخه
موجود (نسخه چستربیتی مکتوب به ۶۹۹ ق) این بیت چنین است:
چو بر دلالت دولت بدین جناب افتاد به یمن همت تو بختش از وسن برخاست

بیت در وصف ممدوح شاعر (ملک ازبک) است و شاعر با اشاره به سفر خود در
ابیات پیشین و رسیدن به درگاه ممدوح، چنین بیان می‌کند که با رسیدن به درگاه تو
بخت من از گرانی خواب (وسن) بیدار گردیده است. امیر معزی در وصف ممدوح
چنین گوید:

گاه بقاء گفته فلک با بخت تو مالی و لک تا حشر نادیده فلک در گردن بختت وسن
گفتنی است در جمیع نسخه‌های چاپی از دیوان امیر معزی، مصرع ثانی بدین صورت
ضبط گردیده است: «تا حشر تا دیده ملک بی گردن بختت رسن.» بیت مزبور بر
اساس یکی از قدیم‌ترین نسخ دیوان امیر معزی (نسخه ایندیا آفیس مکتوب به سال
۷۱۳ ق) است که نگارنده این سطور در دست دارد.^۲

ص ۲۱، س ۲:

آب و آتش در جهان با اهتمام عدل او از عبارتها ز ماهی و سمندر می‌دهد
این بیت بدین صورت مفهوم روشن و مشخصی ندارد و از تحریفات آشکار نساخت
است. در اقدم نسخ چنین می‌خوانیم:

آب و آتش در جهان با اهتمام عدل او از عنا، زنه‌ار ماهی و سمندر می‌دهد
و بدین صورت با در نظر گرفتن آرایه لف و نشر مرتب، مفهوم بیت واضح و آشکار
است.

ص ۲۴، س ۹:

بهار روی تو کز برگ گل بیازارد کسی جمال تو را زحمت نقاب دهد

در نسخ موجود چنین می خوانیم:
بهار روی تو کز برگ گل بیازارد
کجا جمال تو را رخصت نقاب دهد

ص ۲۹، س ۸:

کنون به یاری اقبال و فرّ طالع خوب
چو زیر سایه تو ماهی حصین دارد
صحیح مصرع ثانی چنین است «چو زیر سایه تو مأمنی حصین دارد.» و در ادامه
می خوانیم:

بر آستان تو خواهد فشاند هر گوهر
که درج خاطرش از غث و از سمین دارد

ص ۳۲، س ۵:

ز ذلت پای برجا نیست لیکن
ظفر زو پای بر جا می نماید
بیت مزبور در وصف اسب ممدوح است و بدین صورت مفهوم مشخصی ندارد. در
نسخ قدیمی به جای «ز ذلت»، «ز رکضت» به معنی جهش و جنبش آمده که صحیح
هم چنین است.

ص ۴۶، س ۱۱:

ز طبع توست فطیر سخن که برنامد
ز پیش فطرت یونان به صبحدم ز تنور
بیت به صورت مزبور نامفهوم و مبهم است. در قدیم ترین نسخه ها، مصرع ثانی چنین
است: «ز پیش فطرت تو نان به صبحدم ز تنور.» و شاعر در جایی دیگر بیتی شبیه
به این مضمون دارد:

ز جود توست وجود جهان که برنامد
ز پیش فطرت تو نان صبحدم ز تنور
(دیوان، ص ۴۹)

و نیز:

تا دامن آخر زمان در کلبه آفاق باد
چرخ از فطیر رای تو هر صبحدم نان ساخته
(دیوان، ص ۹۵)

ص ۴۳، س ۳:

حریم صدر تو با آبروی مسند تو
به خاک راه ندارد بر اوست چرخ اثیر

صورت صحیح بیت، مطابق با نسخه‌های دسترس، چنین است:
حریم صدر تو با آب روی مسند تو به خاک راه ندارد پروتِ چرخِ اثیر

ص ۵۹، س ۶:

بیا که تا خط سبز تو دست در هم داد ز دست من برود در چمن گل از تشویر
مصراع ثانی به همین صورت مبهم در نسخه‌ی چاپی و نیز چند نسخه‌ی خطی متأخر
مضبوط است و در قدیم‌ترین نسخه می‌خوانیم: «ز دست می‌برود در چمن گل از
تشویر.»

ص ۶۱، س ۵:

زهی رسیده به جایی که پیش طایر وهم فراز قبه‌ی قدر تو می‌کند پرواز
صواب بیت مزبور مطابق جمیع نسخ چنین است:
زهی رسیده بدان مرتبت که طایر وهم فرود قبه‌ی قدر تو می‌کند پرواز

ص ۶۹، س ۴:

عیار حلم تو چون تنگ بار دید جهان تو بر سر آمدی آخر از او بر فرو به هنگ
صورت صحیح بیت چنین است:
عیار حلم تو، نیک، باز دید جهان تو بر سر آمدی آخر از او به فرو به هنگ

ص ۷۴، س ۱۲:

شده اکابر آفاق را محل نظر شده افاضل ایام را محیط رجال
مطابق نسخه‌های موجود، به جای ترکیب ناسازگار «محیط رجال»، «محط رجال»
(به معنی بارانداز قافله و محل فرود آمدن ارباب حاجات) صحیح است.

ص ۶۸، س ۹:

گران رکابی حزم‌ت به وقت کار دهد سبک عنانی طبیعت به طبع مردا سنگ
در نسخه‌های موجود چنین می‌خوانیم:

گران رکابی حزمت به وقت کار دهد سبک عنانی زیبق به طبع مرداسنگ
زیبق، «جیوه» است و مرداسنگ همان مردارسنگ (جوهر سرب) و مفهوم بیت
واضح.

ص ۹۰، س یازدهم:

آتش محنت تو خشک و ترم جمله بسوخت صبر از این پیش ندارم بلغ السیبل ذباه
صحیح نیم مصرع آخر چنین است «بلغ السیبل ذباه.» زبی جمع زبیه است و زبیه به
معنی بلندی است و این مثل را هنگامی زند که کار از حد تجاوز کند (شهیدی
۱۳۷۶: ۴۸۶). انوری گوید:

چه روی راه تردد؟ قضی الامر فقم چه کنی نقش تخیل، بلغ السیبل ذباه

ص ۹۲، س ۸:

بس عجب نیست که با جنس زبونی کور است ذره را بر سر خوان تو نگیرد آماه
در نسخه‌های موجود می‌خوانیم:
بس عجب نیست که با جنس ذبولی که وراست تره را بر سر خوان تو بگیرد آماه
گفتنی است در لغتنامه دهخدا در ذیل واژه «آماه» همین بیت از نجیب جرفادقانی به
عنوان شاهد مثال آمده است.

ص ۹۳، س ۴:

بر آسمان چون انجمن، انجم ولیکن زان میان خورشید شب را جایگه دریای ماجان ساخته
بیت بدین صورت مبهم و نامفهوم است. صحیح بیت، مطابق نسخ در دست نگارنده
چنین است:
بر آسمان چون انجمن، انجم ولیکن زان میان خورشید شب را جایگه در پای ماجان ساخته

پای ماچان یا صف النعال «کفش‌کن» را گویند. بیت بعد از بیت مزبور نیز از دیوان چایی ساقط است:

مانند سوزنگر فلک، دامن یر از سوزن ولیک سوراخ سوزنهای او هر یک دگر سان ساخته

ص ۱۱۹، س ۶:

بادا قپای ملک به بالای قدر تو وانگه به زیر دامن جاه تو دربگی
واژه «دربگی» چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ نگارنده با توغل در نسخ متقدم به
این نتیجه رسید که واژه مزبور «درلکی» است (به معنی جامه پیش‌باز و کوتاه‌آستین).
گفتنی است دهخدا در لغت‌نامه در ذیل واژه «درلکی»، همین بیت از نجیب
جرفادقانی را آورده است.

ص ۱۳۸، س ۹:

گوهر تر ز لب لعل تو نوشی نبرد هست معذور که بر لعل و گهر می‌خندد
در نسخه‌های موجود می‌خوانیم:
گوهری تر ز لب نوش تو لعلی نبود هست معذور که بر لعل و گهر می‌خندد

ص ۱۴۸، س ۹:

کسی که زیر لبش خطبه ثنای تو نیست به سان سکه دهانش رسان فروماند
بیت به همین صورت مغلوط در دیوان چایی ضبط شده و صحیح آن چنین است:
کسی که زیر لبش خطبه ثنای تو نیست به سان سکه به مهرش دهان فروماند

ص ۱۵۲، س ۳:

محیط کوه‌نشینی و شخص کوه تو را هم از عداد کمر بسته‌گان حو راه ست
در نسخ موجود چنین می‌خوانیم:
محیط کوه‌نشینی و شخص کوه تو را هم از عداد کمر بستگان درگاه است

ص ۱۵۵، س ۷:

جاودان بر جگر خصم تو خونریز تو باد
انجم چرخ هر آن تیر که پرتاب دهد
در نسخه‌های موجود چنین می‌خوانیم:
جاودان بر جگر دشمن چون دیو تو باد
انجم چرخ هر آن تیر که پرتاب دهد

اغلاط دیوان چاپی نجیب جرفادقانی به موارد مزبور ختم نمی‌شود. بسیاری از ابیات در دیوان با تکرار قرینه (در ابیات مرصع) و یا تکرار قافیه در دو بیت متوالی و نیز ترکیب دو بیت در یک بیت و نیز تحریفات فاحش ضبط شده که ارائه تمامی موارد در این مقال نمی‌گنجد و فقط به نمونه‌هایی از این اغلاط اشاره می‌شود.

ترکیب ابیات:

ص ۴، س ۱۲:

اساس عدل تو معمور باد جاویدان
که بر زمان تو دوران چرخ مأمور است
این بیت از ابیاتی است که دو بیت در یک بیت ترکیب شده است. در قدیم‌ترین نسخ چنین می‌خوانیم:

حریم مسند تو، روز بار می‌بینم
که آفتاب سپهرش کمینه مأمور است
اساس عدل تو معمور باد جاویدان
که در اساس تو دوران چرخ مزدور است

ص ۲۵، س ۷:

جهان جود و کرم زین دین ابوبکر آن
شکوه باز به پیشانی غراب دهد
چنانکه مشهود است بیت نامفهوم و مبهم است. این بیت هم از ابیاتی است که به واسطه خلط دو بیت، بیتی مغشوش و مبهم ساخته شده و صحیح بیت چنین است:
جهان جود و کرم زین دین ابوبکر آنک
که بحر و کان را ز جود خود نصاب دهد
سپهرقدرا، آنی که فرّ اقبال
شکوه باز به پیشانی غراب دهد

ص ۷۹، س ۱۲:

بدان خدای که کنه و نهایت لطفش
ز گور زنده برآرد همه رفات عظام

مصرع دوم بیت اول و نیز بیت دوم و همچنین مصرع اول بیت سوم از قلم کاتب افتاده و از مصاریع باقیمانده یک بیت ساخته شده است. صورت صواب بیت چنین است:

بدان خدای که کنه و نهایت لطفش نه در ضمائر ما گنجد نه در اوهام
بدان حکیم که در بدو فطرت از در علم سپهر را حرکت داد و خاک را آرام
بدان قدیر که هنگام حشر و وقت نشور ز گور زنده برآرد همه رفات عظام

ص ۹۸ سطر ۴:

قبای نافه از این روی تنگ می‌آید که می‌زند سر زلف تو سر به عیاری
چو آفتاب همی‌بینم آنکه آخر کار روا مدار که ریحان کند بر او خواری
صحیح ابیات مزبور مطابق جمیع نسخ موجود چنین است:

قبای نافه از این روی تنگ می‌آید که می‌زند سر زلفت دم کله‌داری
چو آفتاب همی‌بینم آنکه آخر کار برآورد سر زلف تو سر به عیاری
ز خط سبز تو عنبر زبون شدست، تو نیز روا مدار که ریحان کند بر او خواری

ص ۱۱۶، س ۵:

ز دست و تیغ تو بر یاد روزگار بماند ز قهر گردش این سبز چرخ مینایی
بیت مزبور به همین صورت در متن دیوان چایی ضبط شده و این بیت نیز از ابیاتی است که مصرع دوم بیت اول و مصرع اول بیت ثانی از قلم افتاده و از مصاریع باقیمانده بی‌تی نامربوط ساخته شده است. صحیح بیت مزبور چنین است:

ز دست و تیغ تو بر یاد روزگار بماند حدیث رستم دستان و حاتم طایی
چو مور خصم تو در طاس روزگار بماند ز قهر گردش این سبز طشت مینایی

دو نمونه از تکرار قافیه

ص ۵۲ س ۷ - ۸:

همیشه تا که سرای سپنج خالی نیست گهی ز شیون و سوز و گه از غنا و سرور
عدوی تخت تو بادا ندیم شیون و رنج ولیّ جاه تو بادا قرین سور و سرور

چنانکه می‌بینیم قافیه در هر دو بیت متوالی، مکرر است. در قدیم‌ترین نسخه موجود چنین می‌خوانیم:

همیشه تا که سرای سپنج خالی نیست گه از عنا و سرور و گهی ز شیون و سور
 حسود بخت تو بادا ندیم شیون و رنج ولیّ جاه تو بادا قرین سور و سرور

ص ۱۴۰ س ۴ - ۵:

مردم دیده ایام عمادالاسلام همه سرمایه کان از دل و دستش به همند
 خواجه تاشند به هم در کف دستش اکنون کلک و شمشیر که دیری است که تا خصم همند
 صحیح ابیات مزبور مطابق نسخه موزه بریتانیا چنین است:
 مردم دیده ایام عمادالاسلام کاسمانها همه از طلعت او محترمند
 خواجه تاشند به هم در کف دستش اکنون کلک و شمشیر که دیری است که تا خصم همند

نمونه‌هایی دیگر از تحریفات دیوان چاپی

نسخه‌های تازه یافته	دیوان چاپی
همای جاه تو زانگه که سایه گسترده است	ص ۴: همای جاه تو زانگه که مایه گسترده است
جگر خصم نه مانند دل صفدر توست	ص ۱۳: جگر خصم تو مانند دل صفدر توست
چو دور عمر به دُردی رسید، چون باشد	ص ۱۵: چو دور عمر به در رسید، چون باشد
بی سفیر خاطر و پروانه رایت مباد	ص ۲۱: بی سفیر خاطر و پیرایه رایت مباد
که حل و عقد جهان شد به رای او مقصور	ص ۴۶: که حل و عقد جهان شد به رای او مأمور

ص ۵۵: که روز فتح و ظفر را پدید کرد عیار	که زرّ فتح و ظفر را پدید کرد عیار
ص ۶۵: مجال ثابتہ تنگ است و پای حادثہ لنگ	مجال نایبہ تنگ است و پای حادثہ لنگ
ص ۸۹: کہ آستان تو بوسند سروران بہ جاہ	کہ آستان تو بوسند سروران بہ جاہ
ص ۱۰۰: کہ شد ز روی حیا آب ابر آزاری	کہ شد ز روی حیا آب ابر آزاری
ص ۱۱۱: کہ بُد چو تیغ اجل تیغشان بہ جان تگری	کہ بُد چو تیغ اجل تیغشان بہ جان شگری
ص ۱۱۳: در قاعدہ عقل تو درویش پناہی	در قاعدہ عدل تو درویش پناہی
ص ۱۲۱: نکتہ مردمی و خطبہ نیکو سیری	سکہ مردمی و خطبہ نیکو سیری
ص ۱۲۳: راز خاطر و ناطقہ را راہبری	رائد خاطر و ناطقہ را راہبری
ص ۱۳۰: کہ دید جور چنان با بتان فرخاری	کی اند حور جنان یا بتان فرخاری؟
ص ۱۳۸: این جگر بین کہ چنین سینہ فراہم دادست	این جگر بین کہ چنین سینہ فرا غم دادست
ص ۱۵۹: باز بر انگشت گل بہار نہادند	باز بر انگشت گل نگار نہادند

نتیجه

اگر به تحریفات و تصحیفات ارائه گردیده در این نوشتار (که فقط به نمونه‌هایی از آن اشاره شد) اغلاط چاپی که در متن دیوان فراوان است اضافه گردد، به این نتیجه خواهیم رسید که دیوان چاپ شده این شاعر، کاستیهای فراوانی دارد که بسیاری از آنها با مقابله و مطابقه با نسخه‌های متقدم و تازه‌یافته برطرف می‌شود و بسیاری از ابیاتی که با تصحیفات، ابهامات و تعقیدات ضبط گردیده، تصحیح خواهد گردید و دیوان این شاعر بر اساس نسخه‌های متعدد و متقدم تبیین می‌شود.

پی‌نوشتها

۱. کلمه جرباذقان، جرباذقان، جرفاذقان، جرفاذقان معرب اسم «گریاتگان» (= کوهپایه) و همان است که در تلفظ بعدی به گلیپگان تبدیل شده است (صفا ۱۳۷۳: ۴۱۶/۳).
۲. نک: مقاله نگارنده این سطور، با عنوان «تصحیح یک قصیده مشهور»، مجله علمی - پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ش ۵۲، بهار ۱۳۸۷.

منابع

- امیر معزی نیشابوری، محمدبن عبدالملک، کلیات دیوان، مقدمه و تصحیح و تعلیقات محمدرضا قنبری، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- انوری ابیوردی، اوحدالدین، دیوان، تصحیح مدرس رضوی، تهران، ۱۳۶۴ ش.
- یوپ، آرتور آبهام، ۱۳۵۵، هنر ایران در گذشته و آینده، ترجمه عیسی صدیق، تهران.
- جرفاذقانی، نجیب، دیوان، به کوشش احمد کرمی، تهران، ۱۳۷۱ ش.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳، لغتنامه، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران.
- شهیدی، سید جعفر، ۱۳۷۶، شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ابیوردی، تهران.
- صفا، ذبیح الله، ۱۳۷۳، تاریخ ادبیات ایران، چاپ سیزدهم، تهران.
- منزوی، احمد، ۱۳۴۹، فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران.